

Original Article

The Commercial Document Holder's Citizens' Rights Toward a Guarantor with a Critical Attitude to Judicial Precedent

Parviz Dehghani¹

1. Assistant Professor University of Maragheh, Faculty of Human Sciences, Department of Law, Maragheh, Iran.
Email: P.dehghani1351@gmail.com

Received: 22 Apr 2019 Accepted: 1 Sep 2019

Abstract

According to legal regulations, endorsers of a commercial document hold severally liable against its holder; due to legal rules, the holder has some duties to perform. Among these duties, after the demand and protest for non-payment in legal time is litigation within a certain legal time. There are different opinions regarding inclusion of the guarantors in article 286 of Iran's trade law and judicial procedures are also divided and vary, and according to some rulings of some branches of Iran's Supreme Court, the guarantor is included in the subject of article 286 while some of the branches consider it outside of the article 286 subject. This difference resulted in the issuance of Supreme Court's precedent decision no. 597 on 1995 May 2nd which rules on the exclusion of the guarantor in the subject of article 286 inclusion. In this paper, along with reviewing the ruling, the guarantor inclusion-exclusion cases in the subject and ruling of article 286 of the Iran's trade law is determined; it is found that article 286 rules on endorser guarantor but the guarantor of other document's responsibilities are out of that. However, the court's decision comprehensiveness is debatable. Hence, the document holder's citizens' rights is more clear toward the guarantor.

Keywords: Judicial Precedent 597; Commercial Document; Article 286 of Iran's Trade Law; Guarantor

Please cite this article as: Dehghani P. The Commercial Document Holder's Citizens' Rights Toward a Guarantor with a Critical Attitude to Judicial Precedent. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 253-266.*

حقوق شهروندی دارنده سند تجاری در قبال ضامن با نگرش انتقادی بر رویه قضایی

پرویز دهقانی^۱

۱. استادیار، دانشگاه مراغه، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، مراغه، ایران. Email: P.dehghani1351@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۰

چکیده

تبیین روابط حقوقی شهروندان در عرصه قبول تعهدات ناظر بر اسناد تجاری به ویژه در روابط ضامن و دارنده سند تجاری با التفات بر رویکرد رویه قضایی از اهمیت زیادی برخوردار است. به موجب مقررات قانونی، امضاکنندگان سند تجاری در مقابل دارنده آن مسؤولیت تضامنی دارند و در این راستا دارنده نیز وظایفی بر عهده دارد که بایستی انجام دهد. از جمله این وظایف، پس از مطالبه و اعتراض عدم تأدیه در موعد قانونی، اقامه دعوا در ظرف مدت معین قانونی می‌باشد. درباره تحت شمول قرارگرفتن ضامن در حکم ماده ۲۸۶ قانون تجارت، نظرات مختلفی وجود داشته و رویه قضایی نیز مختلف و متشتت بوده و به موجب برخی از آرای صادره از بعضی شعب دیوان عالی کشور، ضامن را مشمول موضوع و حکم ماده ۲۸۶ دانسته و در حالی که به موجب آرای صادره از بعضی دیگر از شعب دیوان عالی کشور، آن را خارج از موضوع ماده ۲۸۶ دانسته است. این اختلاف منجر به صدور رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ مورخه ۱۳۷۴/۲/۱۲ گردیده که اطلاق آن حکایت از خروج ضامن از شمول حکم ماده ۲۸۶ دارد. در این مقاله سعی شده است ضمن نقد و بررسی این رأی، موارد شمول و عدم شمول ضامن در موضوع و حکم ماده ۲۸۶ قانون تجارت مشخص و لذا معلوم گردید که ضامن ظهنویس مشمول حکم ماده ۲۸۶ بوده، لیکن ضامن دیگر مسؤولان سند از شمول حکم ماده ۲۸۶ خارج می‌باشد و با این اوصاف اطلاق رأی وحدت رویه قابل تأمل و انتقادات است و با این استنتاج حقوق شهروندی دارنده سند تجاری در قبال ضامن سند روشن‌تر می‌گردد.

واژگان کلیدی: رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷؛ سند تجاری؛ ماده ۲۸۶ قانون تجارت؛ ضامن

مقدمه

به موجب ماده ۴۰۳ قانون تجارت که اشعار می‌دارد: «در کلیه مواردی که به موجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد، طلبکار می‌تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعاً رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آن‌ها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.» تضامن مبنای قانونی و یا قراردادی دارد و همین ویژگی در موردی که چند نفر مسؤول انجام تعهد می‌باشند، به موجب ماده ۴۰۴ قانون تجارت جاری و ساری است.

از جمله مصادیق تضامن قانونی در ماده ۴۰۴ مذکور، ماده ۲۴۹ قانون تجارت می‌باشد که امضاکنندگان سند برات (برات دهنده، کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها) را در مقابل دارنده برات مسؤول تضامنی دانسته است. در مقام بیان چپستی و چگونگی تضامن موصوف، در قسمت دوم ماده ۲۴۹ مزبور، مقنن اشعار داشته: «دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آن‌ها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آن‌ها مجتمعاً رجوع نماید. این نوع از حق رجوع دارنده به متعهدان و مسؤولان سند تجاری حکایت از تضامن عرفی داشته و آن عبارتست از این‌که ذمه‌های متعهدان سند تجاری در عرض هم ضمیمه یکدیگر شده‌اند و معنای آن این است که دارنده بدون رعایت ترتیب در حق رجوع، می‌تواند به امضاکنندگان سند تجاری برای وصول حق خود مراجعه کند، البته بدیهی است چنین امتیازی که برای دارنده سند تجاری لحاظ شده منوط به انجام وظیفه‌ای است که ابتدائاً بر عهده دارنده است و آن پس از عدم تأدیه سند توسط متعهد اصلی و اولیه سند تجاری (که حسب مورد برات‌گیر در برات، سفته‌کش در سفته و صادرکننده چک در چک که از طریق نماینده او [محال‌علیه] قابل وصول است، می‌باشد) صورت می‌گیرد.

آنچه بدیهی است به موجب مسؤولیت تضامنی موصوف مسؤولیت ظهرنویس در این میان به موجب حکم ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسؤولیتی اضافه بر مسؤولیت‌های حقوقی است، زیرا در جریان تبادل این سند ظهرنویس در رابطه حقوقی

خود با طرف معامله نسبت به ادای دین و تعهد اقدام کرده و چنین مسؤولیتی فقط به لحاظ حمایت ویژه قانونگذار از دارنده سند تجاری برای اعتباربخشی به این سند و ایجاد اطمینان و اعتماد مردم به چنین اسنادی در راستای تسریع و تسهیل در گردش این اسناد در مراودات تجاری است. بدین توضیح که تضمین حقوق شهروندی در حوزه اسناد تجاری اقتضا می‌کند که شهروندان در قبول اسناد تجاری و در قبال تعهدات انجام شده هرچه بیشتر راغب شده و تسهیل در مراودات تجاری از طریق اسناد تجاری تسریع گردد (۱)، و آن میسر نیست، مگر با در نظر گرفتن امتیازات خاص برای چنین اسنادی، ملاً متعاقب تحقق این مهم، مراودات تجاری پررونق و یکی دیگر از ابعاد حقوق تجاری شهروندی از حمایت قانونی لازم برخوردار می‌شود (۲).

بر این اساس تحقق مسؤولیت تضامنی ظهرنویس‌ها از نظر قانونگذار کاملاً با وظایفی که برای دارنده سند و صاحب چنین حق مازادی تعریف شده است، گره خورده، به طوری که طبق ماده ۲۸۹ قانون تجارت عدم انجام وظایف دارنده در مهلت قانونی مربوط حسب مورد، دعوی دارنده سند تجاری به ظهرنویس‌ها (که البته از ویژگی‌های مسؤولیت تضامنی ظهرنویس نشأت می‌گیرد) در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

در این میان اشخاصی هستند که ظهرسند را امضا می‌کنند، ولی نه به عنوان ظهرنویس مصطلح حقوق تجارت (انتقال‌دهنده سند)، بلکه به عنوان ضامن. حال سؤال این است که آیا چنین شخصی نیز مشمول حکم مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ قانون تجارت قرار می‌گیرد یا خیر؟ پرسش دوم این است که چون دارنده نه یک وظیفه، بلکه چندین وظیفه دارد که بایستی در فرجه قانونی انجام دهد، از امتیاز حق رجوع به تمامی متعهدان سند تجاری (مسؤولیت تضامنی) بهره‌مند شود (مستفاد از ماده ۲۸۶ اصلاحی قانون تجارت)، این وظایف کدامند؟ و عدم انجام تمام تکالیف موجب عدم پذیرش دعوا در محکمه است یا این‌که هر یک از وظایف انجام نشود، امتیاز استفاده از حکم ماده ۲۴۹ (مسؤولیت تضامنی) از بین خواهد رفت؟

روند شکل‌گیری رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

برای روشن‌شدن موضوع و مسأله تحقیق، به ناچار بایستی به گردشکار و روند شکل‌گیری رأی وحدت رویه اشاره کنیم: در تاریخ ۱۳۷۲/۶/۲۲ اداره حقوقی بانک ملی ایران طی شرحی به عنوان دادستان محترم کل کشور به پیوست آرای صادره از شعب ۲۳ و ۲۵ دیوان عالی کشور به لحاظ صدور آرای متهاافت در موضوع واحد تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی محترم دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد نموده است که جریان پرونده‌های مربوطه معروض می‌گردد.

۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۲۲۶/۷۱ شعبه ششم دادگاه حقوقی یک تهران به تاریخ ۱۳۷۰/۱/۶ بانک ملی ایران دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ شصت و یک میلیون و پانصد هزار ریال بابت وجه ۱۸ فقره سفته واخواست‌شده به انضمام خسارات قانونی به طرفیت: ۱- شرکت حمل و نقل بزرگ‌ایران؛ ۲- شرکت مریخ به دادگاه‌های حقوقی یک تهران تقدیم نموده که به شعبه ششم ارجاع و به کلاسه ۸/۷۰ ثبت گردیده به این شرح که خوانده ردیف ۱ متعهد و ردیف ۲ ضامن پرداخت وجه سفته‌ها می‌باشند، دادگاه پس از رسیدگی و کسب نظر آقای مشاور در مورد خوانده ردیف ۲ به لحاظ این که طرح دعوی بعد از یک سال از تاریخ واخواست سفته‌ها بوده، به استناد مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ و ۳۰۹ قانون تجارت قرار رد دعوی خواهان‌ها را صادر و در مورد خوانده ردیف ۱ اقدام به صدور نظریه بر پذیرش دعوی نموده است، با وصول عرض حال و لایحه اعتراضیه بانک ملی به قرار صادره و تجدید نظرخواهی از آن با این استدلال که مقررات مربوط به ظهرنویسی از حیث واخواست سفته و طرح دعوی ظرف یک سال از تاریخ واخواست مضمون ضامن نمی‌شود، پرونده جهت رسیدگی به تقاضای تجدید نظر به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه ۲۳ ارجاع و این شعبه به شرح دادنامه شماره ۲۳/۴۳ مورخ ۱۳۷۲/۲/۴ چنین رأی داده است.

رأی: از نظر قانون تجارت بین ضامن و ظهرنویس تفاوت وجود دارد، چه اولاً ظهرنویس کسی است که برات به حواله

در پاسخ به این پرسش که آیا ضامن به مانند ظهرنویس مضمون موضوع و حکم ماده ۲۸۶ قرار می‌گیرد، در پی اختلاف عقاید و رویکردهای متشتت محاکم قضایی و به ویژه شعب دیوان عالی کشور در مورخه ۱۳۷۴/۲/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه‌ای به شماره ۵۹۷ صادر کرد و به موجب آن ضامن را مضمون موضوع و حکم ماده ۲۸۶ قانون تجارت ندانست و اعلام کرد که حکم ماده ۲۸۶ جهت استفاده از امتیاز مقرر در ماده ۲۴۹ قانون تجارت (مسئولیت تضامنی) ناظر به ظهرنویس (به معنای مصطلح حقوقی) بوده و ناظر به شخصی که ظهر سفته را به عنوان ضامن امضا نموده است، نمی‌باشد. وانگهی چون مضمون‌عنه ضامن می‌تواند هر کدام از متعهدان سند تجاری باشد، آیا اطلاق رأی وحدت رویه شامل تمام ضامن‌ها می‌شود یا خیر؟ البته در صورت شمول بر تمام ضامن‌ها (ضامن مسؤولان سند تجاری اعم از صادرکننده، ظهرنویس، قبول‌کننده ثالث، برات‌گیر، ضامن) در ظاهر امر شاید به نظر برسد که تعداد مسؤولان بیشتری در قبال دارنده سند تجاری از مسؤولیت تضامنی برخوردار خواهد شد، لیکن آیا رعایت حقوق شهروندی مختص حمایت از دارنده سند تجاری است یا این که حقوق شهروندی اسناد امضاکنندگان و متعهدان سند تجاری نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد. بی‌تردید با التفات به اطلاق ماده ۷۵ منشور حقوق شهروندی (۳). التفات به حقوق تمام اشخاص که در اطراف روابط حقوقی ناظر بر اسناد تجاری قرار دارند با لحاظ حاکمیت اصول ناظر بر اسناد تجاری از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. این رأی وحدت رویه و اطلاق آن با عنایت به سیاقش آن، به شکلی که انشا گردیده است. به نظر جای تأمل داشته و قابل انتقاد است. بنابراین در راستای تبیین موضوع ابتدا به گردشکار رأی وحدت رویه پرداخته و پس از آن جایگاه حقوقی ضامن در سند تجاری و نوع مسؤولیت وی در سند تجاری تبیین و سپس عناصر و ارکان حکم رأی وحدت رویه تبیین و پس از آن نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

دلالتی ندارد که اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت اعتراض شده بخواند از حقی که ماده ۲۴۹ قانون تجارت برای او مقرر داشته استفاده کند، باید ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید که بانک خواهان ظرف مهلت مقرر قانونی علیه ظهرنویس طرح دعوی ننموده است. بنابراین دعوی خواهان علیه ظهرنویس قابل استماع نمی‌باشد. نتیجتاً قرار رد دعوی خواهان را صادر و در مورد خواننده ردیف ۱ اقدام به صدور نظریه بر پذیرش دعوی نموده است.

با تجدید نظرخواهی خواهان از قرار صادره مبنی بر این که مورد مشمول قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت بوده و خوانده ظهرنویس تلقی نمی‌شود، بلکه ضامن است و اقامه دعوی محدودیت زمانی یک ساله ندارد پرونده جهت رسیدگی به تقاضای تجدید نظر به دیوان عالی کشور ارسال و به شعبه ۲۵ ارجاع و شعبه مذکور به موجب دادنامه شماره ۲۵/۱۷۲ مورخه ۱۳۷۲/۴/۲۴ چنین رأی داده است.

رأی: طبق ماده ۳۰۹ و ۲۴۹ قانون تجارت ضامنی که ضمانت امضاءکننده سفته را نموده است، فقط با او مسؤولیت تضامنی دارد، با این وصف هر چند در سفته متعهدله خواهان دعوی است و آن را از طریق ظهرنویسی دریافت نکرده است و امضای خوانده در ظهر سفته همانطور که مهر مربوطه نیز حکایت دارد، به عنوان ضمانت امضاءکننده است، لیکن چون به هر حال مسؤولیت تضامنی وجود دارد، مورد منصرف از ضمانت قانون مدنی است که نقل ذمه به ذمه است، بنا به مراتب و با توجه به وضعیت خاص اسناد تجاری و این که اقامه دعوی به طرفیت ضامن برای استفاده از حق مذکور در ماده ۲۴۹ قانون تجارت می‌باشد، طبق صریح ماده ۲۸۶ قانون مزبور می‌بایست ظرف یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی شود، نتیجتاً تجدید نظرخواهی رد می‌شود و سپس پرونده به دادگاه اعاده و دادگاه خواهان فقط خواننده ردیف اول را جهت رسیدگی دعوت و پرونده بیش از این حکایتی ندارد و بنا به مراتب به شرح زیر اظهار نظر می‌نماید.»

دادستانی کل کشور پس از بیان مآل و تشریح اختلاف و تبیین تشتت آرای دیوان عالی کشور، چنین نظریه می‌دهد:

کرد، او صادر و وی نیز با امضای ظهر آن برات را به غیر واگذار می‌نماید که این وضع در خصوص ضامن مصداق ندارد؛ ثانیاً به حکایت ماده ۲۴۷ قانون فوق‌الاشعار ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است حال آن که با امضای ضامن انتقالی صورت نمی‌پذیرد؛ ثالثاً در اجرای قسمت آخر ماده ۲۴۹ از همان قانون ضامن تنها با کسی که از او ضمانت نموده، در قبال دارنده برات مسؤولیت تضامنی دارد، ولی ظهرنویس با متعهد و کلیه ظهرنویس‌ها دارای مسؤولیت تضامنی است؛ رابعاً مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ قانون مارالذکر تنها به ظهرنویس مربوط می‌شود و لاغیر، فلذا و با عنایت به این که ماده ۳۰۹ قانون یادشده اعمال مقررات فوق‌الاشعار در خصوص فته‌طلب را نیز تجویز کرده است، اعتراض بانک ملی ایران به قرار تجدید نظر خواسته وارد تشخیص ضمن نقض آن پرونده برای رسیدگی ماهوی به دادگاه صادرکننده قرار برگشت داده می‌شود و سپس پرونده به دادگاه حقوقی یک اعاده و دادگاه رأی به محکومیت تضامنی خواندگان به پرداخت اصل خواسته و خسارات صادر کرده است.

۲- طبق محتویات پرونده کلاسه ۶۶۳/۶/۷۰ شعبه ششم دادگاه حقوقی یک تهران در تاریخ ۱۳۷۰/۱/۶ بانک ملی ایران دادخواستی به خواسته مطالبه مبلغ ۲۱۵۰۰۰۰۰ ریال با خسارات قانونی بابت وجه ۷ فقره سفته به طرفیت: ۱- شرکت حمل و نقل بزرگ ایران؛ ۲- ژرژآوانسوف با این توضیح که خواننده ردیف ۱ متعهد و ردیف ۲ ضامن سفته‌ها بوده، تقدیم دادگاه‌های حقوقی یک تهران نموده که به شعبه ششم ارجاع و دادگاه پس از رسیدگی به موضوع و کسب نظریه آقای مشاور در مورد خواننده ردیف ۲ به استدلال این که چون خواننده نامبرده به هر تقدیر ضامن و ظهرنویس سفته‌های مورد بحث معرفی و تلقی گردیده و مستنداً به ماده ۲۸۶ اصلاحی قانون تجارت بانک دارنده سفته‌ها می‌بایستی ظرف مهلت مقرر قانونی علیه ظهرنویس نامبرده اقامه دعوی نماید و حال آنکه فاصله زمانی بین تاریخ واخواست و اعتراض سفته‌های مستند دعوی یک طرف و تاریخ تقدیم دادخواست و طرح دعوی از طرف دیگر بیش از یک سال می‌گذرد و با توجه به این که مفهوم و منطوق ماده ۲۸۶ اصلاحی قانون تجارت بیش از این

شخصی باشد، پاسخ متفاوت خواهد بود. به ویژه اگر مضمون‌عنه‌ضامن، ظهرنویس باشد. بر این اساس ضرورت دارد جایگاه و مبنای حقوقی مسؤولیت ضامن و ارتباط آن با وظایف دارنده روشن گردد.

جایگاه حقوقی ضامن در سند تجاری و تبیین مسؤولیت

وی

همانطور که می‌دانیم به موجب قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت: «... ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال‌علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسؤولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.» پرسشی که مطرح است این که آیا مسؤولیت تضامنی ضامن که در ذیل ماده ۲۴۹ قانون تجارت ذکر شده با مسؤولیت دیگر مسؤولان سند تجاری یکی است؟ قلمرو این مسؤولیت چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، به ناچار نوع و چگونگی مسؤولیت تضامنی مطروح در فراز نخست ماده ۲۴۹ تبیین و پس از آن جایگاه ضامن و نوع مسؤولیت وی روشن می‌شود.

همانطور که در سابق اشاره کردیم، در مسؤولیت تضامنی متعهدان و مسؤولان سند تجاری غرض نظر از این که مبنای آن نمایندگی متقابل بدهکاران یا اشتراک منافع بدهکاران (۴) باشد، ذمه‌های متعهدان در خصوص یک دین واحد در قبال دارنده ضمیمه هم به طور عرضی در نظر گرفته می‌شود، به این نوع تضامن، تضامن عرضی می‌گویند.

تضامن در عرض هم در اسناد تجاری که همبستگی و تعاون در جهت تقویت اعتبارات شخصی و اعتبار سند تجاری به عنوان جوهر مسؤولیت تضامنی بازرگانی به شمار می‌رود، از نگاه دارنده سند تجاری، امتیاز بسیار مهمی تلقی می‌شود. این امتیاز بعد از عدم امکان وصول وجه سند توسط متعهد اصلی سند تجاری برای دارنده محقق می‌شود، به رغم اعتقاد برخی از حقوقدانان رجوع به متعهد اصلی سند تجاری در ابتدای امر به معنی تضامن طولی متعهدان سند در قبال دارنده سند تجاری محسوب نمی‌شود (۵)، زیرا لازمه پذیرش آن، حق رجوع دارنده به ید ماقبل به طور ترتیبی است که البته چنین حکمی از مقررات قانونی و منابع حقوق اسناد تجاری مستفاد

«همانطور که ملاحظه می‌فرمایید در استنباط از مواد ۲۴۹ و ۲۸۶ و ۲۸۹ قانون تجارت از شعب ۲۳ و ۲۵ دیوان عالی کشور آرای متهافت صادر گردیده است، بنا به مراتب به منظور ایجاد رویه واحد به استناد قانون مربوط به وحدت رویه مصوب تیرماه سال ۱۳۲۸ تقاضای طرح موضوع را در هیأت عمومی محترم دیوان عالی کشور دارد. معاون اول دادستان کل کشور، حسن فاخری.» متعاقب این نظریه، جلسه وحدت رویه تشکیل و نماینده دادستان کل کشور رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور را به این صورت تأیید می‌کند که «حسب مواد: ۲۴۹، ۳۰۹ و ۲۸۶ اصلاحی قانون تجارت ضامن و متعهد سفته، در برابر دارنده سفته مسؤولیت تضامنی دارند و دارنده سفته برای وصول طلب خود می‌تواند به هر یک از آن‌ها، یا به هر دو آن‌ها مراجعه نماید، لیکن مراجعه دارنده سفته به ضامن مستلزم این است که ظرف یک سال از تاریخ واخواست سفته اقامه دعوی نماید، بنا به مراتب رأی شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور موجه بوده، معتقد به تأیید آن می‌باشم.» در ادامه اکثریت قریب به اتفاق هیأت عمومی دیوان عالی کشور، رأی وحدت رویه‌ای به شرح زیر صادر می‌نمایند: «مهلت یک سال مقرر در ماده ۲۸۶ قانون تجارت، جهت استفاده از حقی که ماده ۲۴۹ این قانون برای دارنده برات یا سفته منظور نموده، در مورد ظهرنویس به معنای مصطلح کلمه بوده و ناظر به شخصی که ظهر سفته را به عنوان ضامن امضا نموده است، نمی‌باشد، زیرا با توجه به طبع ضمان و مسؤولیت ضامن در هر صورت (بنا بر قول ضم ذمه به ذمه یا نقل آن) در قبال دارنده سفته یا برات، محدودیت مذکور در ماده ۲۸۹ قانون تجارت درباره ضامن مورد نداشته، بنابراین رأی شعبه بیست‌وسوم دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده، صحیح و منطبق با موازین قانونی است.»

همانطوری که ملاحظه می‌شود، هیأت عمومی دیوان عالی کشور برخلاف نظریه نماینده دادستان کل کشور، رأی شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور را منطبق با موازین قانونی شناخته است. مع‌الوصف چون رأی شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور، ضامن را علی‌الاطلاق از شمول ماده ۲۸۶ خارج دانسته است، محل تأمل می‌باشد، زیرا حسب این که مضمون‌عنه‌ضامن چه

در حالت اخیر، تعهد فرعی و تضامنی خود را پس از مدت یکسال حفظ می‌نماید (۶).

همچنین به لحاظ فرعی و تبعی بودن مسؤولیت ضامن، وی مجاز است از تمام ابزارهای دفاع که مضمون‌عنه برای عدم پرداخت در اختیار دارد، استفاده کند (۴). به طور مثال ضامن ظهرنویس می‌تواند دفاع کند که چون دارنده در موعد قانونی اعتراض کرده و یا در موعد قانونی اقامه دعوا نکرده، وی نیز به حکم ماده ۲۸۶ و ۲۸۹ مسؤولیتی ندارد.

در پاسخ به پرسش دوم که آیا تضامن ضامن در عرض ذمه مضمون‌عنه است یا در طول آن، بایستی گفت که هرچند ماده ۲۴۹ نوع تضامن ضامن را مشخص نکرده است، لیکن به دلالت حکم ماده ۴۰۳ قانون تجارت در مورد ضمانت و آثار آن، این مسؤولیت تضامنی از نوع عرضی بوده و مضمون‌له برای مراجعه به ضامن نیازمند رعایت ترتیب نمی‌باشد.

از آنجا که یکی از مواردی که به موجب قانون ضمانت مفید مسؤولیت تضامنی می‌باشد، ضمانت در اسناد تجاری به دلالت حکم ماده ۲۴۹ قانون تجارت است، لذا نوع مسؤولیت تضامنی ضامن در اسناد تجاری به صورت عرضی است نه طولی.

البته به دلالت ماده ۴۰۲ قانون تجارت از آنجا که عرضی بودن مسؤولیت تضامنی ضامن با توافق قابل تغییر است، لذا حکم ماده ۴۰۳ امری نبوده و می‌توان آن را به صورت طولی توافق کرد، البته خاطرنشان می‌نماید که همانطور که سابقاً نیز گفتیم در رجوع اولیه برای اخذ وجه سند تجاری فارغ از این که مضمون‌عنه چه شخصی باشد، مراجعه نخستین از سوی دارنده به متعهد اصلی سند تجاری است (در برات، برات‌گیر، در سفته، صادرکننده سفته و در چک صادرکننده چک) و در صورت عدم پرداخت، مسؤولیت تضامنی ضامن در حالت علی‌الاطلاق در عرض مضمون‌عنه و در صورت وجود توافق و وجود عبارتی در سند تجاری دال بر در طول هم‌بودن مسؤولیت تضامنی ضامن، در طول مضمون‌عنه مسؤول خواهد بود، البته خاطرنشان می‌سازد که چنانچه چنین توافقی دال بر طولی بودن مسؤولیت تضامنی ضامن در سند جداگانه‌ای بین ضامن و مضمون‌له تنظیم شده باشد. وی فقط در مقابل

نیست، زیرا پس از امتناع از پرداخت وجه سند توسط متعهد اصلی، حق رجوع دارنده به مسؤولان سند تجاری بصورت تضامن عرضی مورد حکم قانونگذار قرار گرفته است.

حال در این میان یکی از متعهدان و مسؤولان سند تجاری ضامن می‌باشد، اما سخن این است که ذمه ضامن ضمیمه ذمه چه شخصی می‌شود و مسؤولیت وی در کنار مسؤولیت چه اشخاصی است؟

آیا این تضامن در عرض هم است یا در طول هم؟ آیا ضامن می‌تواند به دارنده بگوید که اول به مضمون‌عنه مراجعه کن. اگر او پرداخت نکرد من تأدیه می‌کنم؟

در پاسخ به این پرسش‌ها پرواضح است که طبق ماده ۲۴۹ قانون تجارت اولاً قلمرو مسؤولیت تضامنی ضامن نسبت به سایر مسؤولان بسیار محدود است. دلیل این محدودیت به ماهیت ضمانت برمی‌گردد که چون ضامن از دین مضمون‌عنه و به تبع مضمون‌عنه قبول مسؤولیت می‌کند، لذا مسؤولیت وی ارتباطی به سایر مسؤولان سند نخواهد داشت. از تبعی بودن مسؤولیت ضامن می‌توان نتیجه گرفت که:

ضامن تنها به همان ترتیبی که مضمون‌عنه می‌تواند به سهل‌انگاری دارنده در سررسید راجع به انجام واخواست و طرح دعوا ایراد کند، اجازه اقدام خواهد داشت، چنانچه ضامن برای برات‌گیر قبول‌کننده یا برات‌کشی که محل را تأمین ننموده ضمانت به عمل آورده، قادر نیست به دلیل عدم رعایت تشریفات قانونی مواد ۲۸۰ و ۲۸۶ به بعد قانون تجارت از سوی دارنده، زیر بار مسؤولیت نرود، چه برات‌دهنده و یا برات‌گیر محال‌علیه به شرح مواد ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۹۰ و ۲۹۱ قانون تجارت پس از حصول مرور زمان، مسؤولیت خویش را در چارچوب مواد ۳۱۸ و ۳۱۹ قانون تجارت حفظ می‌نمایند، چونکه آن‌ها بر اثر صدور برات به طور غیر عادلانه دارا شده و استفاده بلاجهت نموده‌اند. بنابراین مسؤول اصلی سند تجاری به حساب می‌آیند. در این حالت، ضامن آن‌ها نیز در مسؤولیت خویش باقی می‌ماند. همین وضع را متعهد سفته و ضامن وی در صورت حصول مرور زمان مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ به دلیل استفاده بلاجهت خواهد داشت. پس ضامن صادرکننده سفته،

احتمالی موضوع ماده ۲۹۲ قانون تجارت ناظر بر بند «ج» ماده ۱۰۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ منوط به انجام وظیفه اعتراض به عدم پرداخت سفته (سفته واخواست‌شده) از سوی دارنده سفته است. نکته بعدی در خصوص تأثیر عدم طرح دعوا علیه صادرکننده سفته در مرور زمان‌های پنج ساله مقرر در ماده ۳۱۸ قانون تجارت نسبت به مسؤولیت صادرکننده سفته است.

اکثریت حقوقدانان حقوق تجارت عقیده دارند که مرور زمان موضوع ماده ۳۱۸ قانون تجارت به رغم نظریه مشورتی شماره ۷۲۵۷ مورخ ۶۱/۱۱/۲۷ شورای نگهبان که متضمن خلاف شرع بودن مرور زمان است، همچنان معتبر است (۷-۶)، لذا با پذیرش این نظر، سقوط طرح دعوی تجاری علیه صادرکننده سفته با انقضای مرور زمان ماده ۳۱۸ مسلم و بدیهی است، لذا دین تجاری به دین مدنی تغییر ماهیت خواهد داد. مع الوصف ذکر این نکته حائز اهمیت است که با التفات به رویکرد مقنن در قوانین مترفرقه مرتبط با موضوعات تجاری به مانند قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده و پروتکل اصلاحی آن (معروف به کنوانسیون CMR مصوب ۱۹۵۶ برابر با ۱۳۳۵ ش.) و قوانین اخیرالتصویب در حوزه‌های مختلف، بقای احکام ماده ۳۱۸ قانون تجارت صحیح‌تر به نظر می‌رسد، لیکن برخی از نویسندگان حقوقی بر عدم اعتبار و بقای حکم ماده ۳۸ قانون تجارت قائلند (۸-۴).

۳- مسؤولیت ضامن صادرکننده سفته

پس از روشن شدن شرایط تحقق مسؤولیت صادرکننده سفته، شناخت شرایط مسؤولیت ضامن صادرکننده سفته به حکم فرعی و تبعی بودن موقعیت قانونی وی و به دلالت قسمت اخیر ماده ۲۴۹ پرواضح می‌باشد. به عبارتی در صورتی که مضمون‌عنه، صادرکننده سفته باشد، شرایط مسؤولیت ضامن نیز از شرایط سفته‌کش مضمون‌عنه تبعیت خواهد کرد. بدین توضیح که چون مرور زمان مربوط به دعوا علیه صادرکننده به جای یک سال موضوع ماده ۲۸۶، پنج سال موضوع ماده ۳۱۸ می‌باشد (حکم شماره ۹/۴۳۲ - ۱۳۲۰/۹/۳۰، شعبه اول دیوان عالی کشور، مجموعه متین به نقل از دمیرچیلی، حاتمی،

مضمون‌له (دارنده سند) مزبور حق استناد به توافق مورد نظر را خواهد داشت و در صورتی که سند تجاری به اشخاص دیگری منتقل شده باشد. حق استناد به توافق مزبور را نخواهد داشت، زیرا در این صورت اصل غیر قابل استناد بودن ایرادات به نفع چنین دارنده‌ای خواهد بود و در صورتی که چنین توافقی با مضمون‌عنه شده باشد، در مقابل مضمون‌له دارنده مستقیم نیز حق استناد نخواهد داشت، چون که رابطه قراردادی آن‌ها به مضمون‌له ارتباطی نداشته و نمی‌توان به ضرر ثالث توافق کرد (۵).

تبیین مسؤولیت تبعی ضامن

شناخت دقیق نسبت به مسؤولیت تضامنی ضامن در اسناد تجاری به لحاظ تبعی بودن آن، مستلزم شناخت نسبت به شرایط تحقق مسؤولیت مضمون‌عنه (متعهدان سند تجاری اعم از صادرکننده، ظهرنویس، ضامن و محال‌علیه) می‌باشد، لذا ابتدائاً شرایط تحقق مسؤولیت امضاکنندگان تشریح و به تبع آن مسؤولیت ضامن روشن می‌شود.

۱- مسؤولیت صادرکننده

برای بیان شرایط تحقق مسؤولیت صادرکننده سند تجاری حسب این که سند مزبور برات، سفته و چک باشد، باید فائل به تفاوت بود. در سفته و چک متعهد و مدیون اصلی سند، صادرکننده می‌باشد، ولی در برات، پس از قبولی توسط برات‌گیر، مشارالیه متعهد اصلی به شمار می‌رود، لذا صحیح آن است که احکام و شرایط صادرکننده سفته و چک جدا از صادرکننده برات مورد عنایت قرار گیرد.

۲- صادرکننده سفته

آنچه منطقی به نظر می‌رسد آن است که چون صادرکننده سفته مدیون اصلی سفته می‌باشد، شرایط خاص برای تحقق مسؤولیت وی وجود نداشته باشد و عدم انجام تکالیف مقرر در مواد ۲۷۴ تا ۲۸۸ قانون تجارت از مطالبه وجه و اعتراض عدم پرداخت در زمان مقرر گرفته تا اقامه دعوا در فرجه قانونی توسط دارنده سفته تأثیری در مسؤولیت صادرکننده سفته نداشته باشد. حق آن است که، گفته شد، لیکن نباید فراموش کرد که امتیازاتی چون تأمین خواسته بدون تودیع خسارت

تاریخ صدور چک به محال علیه مراجعه نکند. و وجه چک که مربوط به محال علیه است از بین برود. در این صورت به دلالت منطوق فراز اخیر ماده ۳۱۵ قانون تجارت دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نیست.

به مانند آنچه در خصوص شرایط تحقق مسؤلیت ضامن صادرکننده سفته گفته شد، آنچه منطقی به نظر می‌رسد این است که شرایط تحقق مسؤلیت ضامن صادرکننده چک نیز از شرایط مسؤلیت صادرکننده چک تبعیت بنماید، اما برخی از حقوقدانان معتقدند که حکم برای ضامن صادرکننده چک نمی‌توان مسؤلیت تضامنی قائل شد و مسؤلیت ضامن (صادرکننده) چک بایستی با توجه به مقررات قانون مدنی تعیین شود (۱۰). دلیل نخست که مستند به ماده ۳۱۴ قانون تجارت می‌باشد، این است که ماده مزبور به هیچ وجه دلالتی بر شمول و جریان حکم مقرر در ماده ۲۴۹ قانون تجارت در مورد چک ندارد، چون که در قانون تجارت مصوب مجلس سال ۱۳۱۱ بعداز کلمه اقامه دعوا در ماده ۳۱۴ قانون تجارت حرف عطف «و» وجود نداشته و این حرف در مجموعه قوانینی که بعداً چاپ شده اضافه شده است، طوری که در اکثر مجموعه قوانین تجاری بعد از کلمه «اقامه دعوا» حرف واو چاپ شده است و به تصریح نویسندگان اساساً قانون تجارت در مجموعه قوانین سال ۱۳۱۱ چاپ شده است و در این مجموعه در ماده ۳۱۴ بعداز کلمه اقامه دعوا بلافاصله ضامن به کار رفته است. دکتر فخاری با مقایسه ماده ۳۱۴ قانون تجارت فعلی با ماده ۲۳۶ قانون تجارت ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ و جزء نخست بند ۴ ماده واحده ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵ فرانسه و اعلام این که ماده ۳۱۴ فعلی از دو قانون مزبور اقتباس شده، به صراحت اعلام نموده که بدون هیچ‌گونه تردید در متن ماده ۳۱۴ قانون تجارت به نحوی که به تصویب رسیده کلمه ضامن به طور مستقل به کار نرفته، بلکه این کلمه بلافاصله پس از اقامه دعوی، استعمال شده است (همان، ۱۳۸۷). دلیل دومی که ایشان ابراز می‌دارد، این است که با توجه به ماهیت چک که نباید وعده داشته باشد و ماده ۳۱۱ نیز که وعده‌دارنبودن را از جمله شرایط اساسی چک برشمرده است، لذا وقتی چک را دارنده آن می‌تواند به محض دریافت به محال علیه ارائه و وجه

قرائی، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی)، در صورتی که دارنده به وظیفه خود مبنی بر اقامه دعوی ظرف پنج سال از تاریخ اعتراض اقدام ننماید، مسؤلیت تجاری صادرکننده سفته ساقط می‌شود و به هیمن منوال در مورد ضامن صادرکننده نیز عمل می‌شود، لذا اطلاق رأی وحدت رویه مبنی بر عدم شمول ضامن وقتی که مشارالیه ضامن صادرکننده سفته باشد، صحیح نبوده و ملاحظه می‌شود. در چنین مواردی ضامن نیز مشمول ماده ۲۸۶ قانون تجارت می‌باشد. بی‌تردید در صورتی که نظریه نسخ ضمنی مقررات ماده ۳۱۸ قانون تجارت را بپذیریم، ضامن صادرکننده سفته از شمول ماده ۲۸۶ خارج بوده و اطلاق رأی وحدت رویه، چنین ضامنی را شامل می‌شود. لازم به یادآوری است که برخی از نویسندگان، طرح دعوی تجاری علیه صادرکننده و ضامن صادرکننده سفته را دارای مهلت خاصی ندانسته‌اند و برای اثبات ادعای خود به رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ استناد کرده‌اند، البته این دسته از حقوقدانان قائل به نسخ ضمنی مقررات ماده ۳۰۸ قانون تجارت می‌باشند (۹). به نظر می‌رسد استناد به رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ در این خصوص چندان قابل دفاع نباشد، زیرا رأی وحدت رویه در مقام بیان پاسخ به آن است که آیا مهلت یک ساله قانونی دعوی که طبق مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ قانون تجارت ناظر به ظهرنویس است، در مورد ضامن (صادرکننده) جاری می‌شود یا خیر؟ و به عبارتی درصدد رفع هر گونه محدودیت و مهلت زمانی نیست، زیرا با پذیرش اعتبار ماده ۳۱۸ قانون تجارت، در مورد صادرکننده و ضامن وی بی‌تردید مهلت پنج ساله به جای مهلت یک ساله موضوع ماده ۲۸۶ قابل طرح می‌باشد.

۴- مسؤلیت صادرکننده چک

آنچه در مورد شرایط مسؤلیت صادرکننده سفته گفته شد، در مورد چک نیز قابل اعمال است. لیکن از آنجا که پرداخت وجه چک توسط نماینده صادرکننده (محال‌علیه) که معمولاً بانک می‌باشد، انجام می‌پذیرد، موارد خاصی ممکن است پیش آید که صادرکننده سفته به عنوان متعهد و مسؤول اصلی سند از مسؤلیت مبرا شود. این مورد ناظر به فرضی است که دارنده چک ظرف مهلت قانونی ۱۵ روز یا ۴۵ روز از

صادرکننده چک، مع‌الوصف بر اساس آنچه گفتیم علی‌الاصول صادرکننده چک در هر شرایط (حتی در صورت عدم انجام وظایف قانونی توسط دارنده چک) مسؤول است و ضامن صادرکننده چک نیز به همین نحو مسؤول خواهد بود و تنها در صورتی که طبق ماده ۳۱۵ قانون تجارت، دارنده ظرف فرجه قانونی به محال‌علیه مراجعه نکند و صادرکننده چک، محل چک را نزد محال‌علیه کارسازی نموده باشد، ولی وجه چک به سببی که مربوط به محال‌علیه است، از بین برود، صادرکننده و ضامن وی مسؤول نخواهد بود.

۵- مسؤولیت صادرکننده برات

به دلالت احکام قسمت اخیر ماده ۲۷۴ و ماده ۲۹۰ قانون تجارت، عدم انجام تکالیف دارنده تأثیری در تحقق مسؤولیت صادرکننده برات ندارد، مگر این‌که برات‌دهنده اثبات کند در سررسید وجه برات را به محال‌علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال‌علیه خواهد داشت. بی‌تردید پس از روشن‌شدن چگونگی مسؤولیت صادرکننده برات، مسؤولیت ضامن وی نیز از این شرایط تبعیت خواهد کرد. پس این‌که رأی وحدت رویه به طور مطلق ضامن صادرکننده برات را از شمول ماده ۲۸۶ قانون تجارت خارج می‌نماید، صحیح نیست، زیرا طبق ماده ۲۹۰ قانون تجارت، با عدم انجام وظایف دارنده، در مواعد مقرر قانونی از جمله مهلت یک ساله موضوع ماده ۲۸۶ و همچنین اثبات تأمین وجه برات در سررسید توسط صادرکننده، ضامن صادرکننده مشمول حکم ماده ۲۸۶ قانون تجارت می‌گردد.

۶- مسؤولیت ظهنویس

در مورد مسؤولیت ظهنویس به دلالت حکم مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ قانون تجارت، انجام وظایف دارنده سند تجاری اعم از برات، سفته و چک کاملاً با مسؤولیت ظهنویس در ارتباط است، به طوری که مسؤولیت ظهنویس در صورتی محقق می‌شود که دارنده سند ظرف مهلت قانونی به وظایف قانونی خود عمل نماید وگرنه مسؤولیتی متوجه ظهنویس نخواهد شد. طبق ماده ۲۷۴ قانون تجارت در مورد برات، در صورتی که سررسید برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باشد و در مورد سفته در صورتی که سررسید آن عندالمطالبه باشد، دارنده

آن را مورد مطالبه قرار دهد، دخالت ضامن نمی‌تواند دارای توجیه باشد. بر این اساس استنتاج شده است که به دلالت احکام مواد ۴۰۲ و ۴۰۳ قانون تجارت در صورت تعدد مسؤولین، مسؤولیت آن‌ها مشترک یا نسبی است. با توجه به این‌که مسؤولیت تضامنی خلاف اصل است و محتاج به نص قانونی یا توافق قراردادی است و در بحث ما نص قانونی بر مسؤولیت تضامنی وجود ندارد، لذا نمی‌توان مسؤولیت آن دو را تضامنی در نظر گرفت. مع‌الوصف به نظر مرحوم دکتر فخاری مسؤولیت ضامن در چک را باید در مقررات قانون مدنی جستجو کرد.

پذیرش نظر فوق مستلزم این است که مسؤولیت مشترک یا نسبی باشد، لذا لازمه هر دو نوع مسؤولیت این است که در اثر ضمانت ضامن از مضمون‌عنه، ذمه ضامن ضمیمه ذمه مضمون‌عنه شده و هرکدام قسمتی از دین را عهده‌دار باشند و حال آنکه در قسمت اخیر مقاله خود، ضمانت را تابع مقررات قانون مدنی دانسته‌اند. که البته پذیرش آن به معنی نقل ذمه به ذمه است و در این صورت ذمه مضمون‌عنه بری، و ذمه ضامن مشغول می‌شود. با این اوصاف قبول نقل ذمه به ذمه با مسؤولیت اشتراکی و نسبی قابل جمع نیست.

به رغم عدم وجود نص خاص مبنی بر مسؤولیت تضامنی ضامن با مضمون‌عنه در چک، به نظر می‌رسد مسؤولیت تضامنی برای چنین حالتی می‌تواند قابل پذیرش باشد، چون که در صورت فقدان قانون خاص در این مورد، مقررات باب دهم از ماده ۴۰۲ تا ۴۱۱ قانون تجارت حکومت می‌کند و با جریان حکم ماده ۴۰۳ قانون تجارت، در صورت توافق، ضمانت تضامنی معتبر و لازم‌الاجرا است، البته در صورت عدم توافق مصرح در این خصوص، از آنجاکه به حکم ماده ۲۲۵ قانون مدنی متعارف‌بودن امری در عرف و عادت به منزله ذکر در عقد است، مفهوم عرفی ضمانت در میان عرف و عادت که عبارت از افاده تضامنی می‌باشد، یکی از مصادیق ماده مزبور است؛ طوری که نه‌تنها در میان عرف ضمانت در بحث ما مفید تضامن است، بلکه در میان عرف این تضامن از نوع طولی است نه عرضی (۵). بر اساس آنچه گفته شد و استنتاج امکان پذیرش مسؤولیت تضامنی قراردادی و یا عرفی برای ضامن

۸- مسؤولیت برات‌گیر

از آنجا که متعهد اصلی پرداخت وجه برات پس از قبولی آن توسط محال‌علیه، مشارالیه می‌باشد، بدیهی است که به دلالت منطوق و مفهوم مقررات قانون تجارت به ویژه ماده ۲۹۰ آن قانون که اشعار می‌دارد: «پس از انقضای مواعد فوق، دعوی دارنده و ظهرنویسان برات بر علیه برات‌دهنده نیز پذیرفته نمی‌شود، مشروط بر این که برات‌دهنده ثابت نماید در سر وعده، وجه برات را به محال‌علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال‌علیه خواهد داشت.» بنابراین، حتی اگر دارنده به وظایف قانونی خود عمل نکرده باشد، برات‌گیر در قبال دارنده مسؤول است (۱۰).

۹- مسؤولیت ضامن برات‌گیر:

به استناد وصف تبعی و فرعی بودن مسؤولیت ضامن، باید گفت که شرایط تحقق ضامن برات‌گیر نیز به مانند شرایط مسؤولیت برات‌گیر بوده و بر این اساس ضامن براگیر نیز در راستای حکم رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور مشمول حکم ماده ۲۸۶ قرار نمی‌گیرد.

۱۰- مسؤولیت ضامن

شاید در بادی امر طرح چنین عنوانی، چندان قریب به ذهن نباشد، چون که ضامن و تعهد و مسؤولیت وی به ویژه در اسناد تجاری اصالت نداشته، بلکه تبعی و فرعی است. و به دلالت حکم قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت، شرایطی رأساً برای مسؤولیت ضامن متصور نمی‌باشد و شاید هم به همین دلیل است که حقوقدانان کم‌تر به این موضوع پرداخته‌اند، لیکن طرح این بحث از آن جهت است که شخصی به عنوان ضامن از ضامن سند تجاری، ضمانت کند و در این صورت ضامن اول، خود مضمون‌عنه واقع شود.

۱۱- مسؤولیت ضامن ضامن

پرسشی که قابل طرح است این که ضمانت از ضامن چه اثری دارد؟ ایجاد مسؤولیت تضامنی از آثار آن به شمار می‌رود یا این که مستفاد از آن نقل ذمه به ذمه است. برخی از حقوقدانان به این موضوع پرداخته‌اند و آن را موجب افزایش ارزش سند تجاری دانسته، ولی مسؤولیت چنین ضامنی را تضامنی نمی‌دانند.

بایستی ظرف یک سال از تاریخ صدور نسبت به مطالبه وجه آن اقدام کند. در غیر این صورت مسؤولیت تضامنی ظهرنویسان ساقط می‌گردد و دارنده حق رجوع به ظهرنویسان را نخواهد داشت [همین حکم در مورد ضامن ظهرنویس هم صادق است]. بی‌تردید طبق ماده ۲۷۸، حکم ماده ۲۷۴ در مورد فرجه یک ساله مطالبه، تکمیلی بوده و می‌توان در خصوص مدت، توافقی غیر از مدت یک ساله مندرج در حکم ماده ۲۷۴ نمود. در این صورت عدم مطالبه توسط دارنده در مدت توافقی، موجبات سقوط مسؤولیت ظهرنویس را به دنبال دارد. در مورد چک طبق ماده ۳۱۵ قانون تجارت، اگر دارنده چک در ظرف مواعد ۱۵ روز و ۴۵ روز صدر ماده و یا موعد ۴ ماهه موضوع ماده ۳۱۷ قانون تجارت از تاریخ صدور وجه چک را مطالبه نکند، دعوی وی علیه ظهرنویسان مسموع نخواهد بود. به تصریح مواد ۲۸۶ و ۲۸۹ قانون تجارت عدم انجام وظیفه مطالبه (حسب مورد) و عدم اعتراض (در مورد سفته و برات، تنظیم و اخواست و در مورد چک طبق رأی وحدت رویه شماره ۵۳۶ مورخ ۶۹/۷/۱۰ گواهی عدم پرداخت صادره از بانک محال‌علیه) و عدم اقامه دعوی در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض، دعوی دارنده سند بر ظهرنویسان و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسان بر ید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

۷- مسؤولیت ضامن ظهرنویس

به حکم تبعی و فرعی بودن ضمان و مسؤولیت ضامن در اسناد تجاری و به دلالت قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت، بی‌تردید مسؤولیت تضامنی ضامن ظهرنویس، زمانی محقق است که شرایط مسؤولیت ظهرنویس برقرار باشد، وگرنه ضامن ظهرنویس نیز به تبع آن مسؤولیت نخواهد داشت.

با تدقیق در مفاد رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور، ملاحظه می‌شود، هرچند اطلاق و ظاهر رأی وحدت رویه شامل ضامن ظهرنویس نیز هست، لیکن به شرح آنچه ذکر شد باید از ظاهر رأی دست برداشت و ضامن ظهرنویس مشمول حکم ماده ۲۸۶ قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

رأی وحدت رویه شماره ۵۹۷ هیأت عمومی دیوان عالی که در تاریخ ۱۳۷۴/۲/۱۲ صادر یافته است، به تبع اختلاف دیدگاه‌های شعب ۲۳ و ۲۵ دیوان عالی کشور در خصوص شمولیت یا عدم شمولیت ضامن صادرکننده سفته در حکم ماده ۲۸۶ اتخاذ گردید و با تأیید رأی شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور محدودیت زمانی طرح دعوا در ظرف یک سال از تاریخ اعتراض به عدم پرداخت سفته را در ماده ۲۸۹ قانون تجارت درباره ضامن قابل قبول ندانست.

اما از یک طرف از اطلاق رأی و شیوه نگارش آن چنین مستفاد نمود که هر ضامنی اعم از این‌که مضمون‌عنه آن صادرکننده ظهرونی و دیگر مسؤولان سفته (سند تجاری) باشد، مورد نظر رأی می‌باشد و از طرف دیگر با عنایت به این‌که در موضوع پرونده‌ها و دعاوی که اختلاف در آن منجر به صدور رأی وحدت رویه گردید مضمون‌عنه ضامن مورد بحث، صادرکننده سفته بوده، استنتاج گسترش و تعمیم موضوع رأی وحدت رویه را به ضامنان دیگری که مضمون‌عنه او غیر از صادرکننده باشد، مشکل می‌نماید.

در این مقاله با تدقیق در شرایط مسؤولیت انواع مضمون‌عنه‌ها در اسناد تجاری متضمن پرداخت موضوع بحث (برات، سفته و چک) دریافتیم که چون به دلالت حکم قسمت اخیر ماده ۲۴۹ قانون تجارت مسؤولیت ضامن اصالت نداشته و شرایط آن تابع شرایط مسؤولیت مضمون‌عنه اوست و این شرایط حسب این‌که سند تجاری کدام باشد (برات، سفته، چک) متفاوت است که البته به تفصیل در طول تحقیق به آن اشاره شد، لذا بایستی از ظاهر رأی وحدت رویه دست برداشت و موضوع رأی وحدت رویه را مختص ضامن متعهد اصلی سند تجاری (صادرکننده سفته در سند سفته، برات‌گیر در برات) دانست. با این استنتاج ملاحظه می‌شود که رویکرد قضایی بایستی در راستای تأمین حقوق شهروندی تمامی اطراف روابط حقوقی به طور اعم و روابط حقوقی ناظر به اسناد تجاری به طور خاص و رابطه دارنده سند تجاری و ضامن آن به طور اخص حرکت کرده و حقوق شهروندی دارنده سند تجاری از یک طرف و مسؤولان سند تجاری از طرف دیگر

دلیل تضامنی‌نبودن مسؤولیت را عدم تصریح مقنن در ماده ۲۴۹ (که مبنای قانونی مسؤولیت تضامنی امضاکنندگان سند تجاری است) بیان کرده‌اند (۷).

برخی دیگر از نویسندگان ضمن پرداختن به این موضوع با دلیل نظر نخست موافق نبوده و چون به دلالت ماده ۴۰۳ قانون تجارت، اصل را بر عدم تضامن دانسته و مبنای تضامن را به حکم قانون یا قرارداد می‌دانند و معتقدند که پذیرش دلیل نظر نخست افاده نقل ذمه به ذمه می‌کند و آن با افزایش اعتبار برات با افزوده‌شدن ضامن به ضامن قبلی سازگار نیست و علت عدم تسری حکم ماده ۲۴۹ قانون تجارت را به مورد ضمانت از ضامن، در خلاف اصل بودن مسؤولیت تضامنی ضامن مسؤولان سند تجاری می‌دانند (۵).

رویکرد رویه قضایی و تضمین حقوق شهروندی اطراف روابط ناظر بر اسناد تجاری

تبیین روابط حقوقی اشخاص حول محور اسناد تجاری اعم از دارنده و امضاکنندگان آن از دریچه رویه قضایی مبین آن است که احترام به حقوق اشخاص در روابط شهروندان به طور عام و حقوق اطراف روابط حقوقی ناظر بر اسناد تجاری بطور خاص و تضمین آن بر اساس ابزارهای قانونی و عملکرد و تصمیمات نهادهای حکومتی قضایی (دیوان عالی کشور) امری مبرهن است، لیکن به رغم حاکمیت و تقدم اصول حاکم بر اسناد تجاری که دغدغه حفظ حقوق شهروندی دارنده سند تجاری را دارد، لیکن این دغدغه نباید ابزاری برای تهدید حقوق شهروندی امضاکنندگان و مسؤولان سند تجاری محسوب گردد.

بی‌تردید اطلاق حکم رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور که مسؤولیت کلیه ضامنان - اعم از این‌که مضمون‌عنه چه شخصی باشد - را با فرض عدم انجام وظیفه قانونی دارنده سند تجاری که همان عدم اقامه دعوا در ظرف فرجه قانونی است، به تحکم می‌نماید، نتیجه عدم توجه به حقوق شهروندی ضامن بدون التفات به شخص مضمون است.

تضییع نگردد. مع الوصف باید رأی وحدت رویه به گونه‌ای از نظر ماهیتی و شکلی نگارش شود که خود نیاز به استفسار علیحده و ارائه تفسیر مجدد نباشد.

References

1. Abbasi M, Petoft A. Citizenship Rights (From Government Support to Equality Monitoring). Tehran: Dadgostar Publication; 2017. [Persian]
2. Abbasi M. Citizenship Rights (From Good Government to Administrative Process). Tehran: Dadgostar Publication; 2017. [Persian]
3. Abbasi M, Mousavi ST, Erfani Moghaddam H, Erfani Manesh MH, Leader N, Sudmandi AM. Citizenship Rights (From the Government Wisdom to the Joint Action Plan). Tehran: Dadgostar Publication; 2017. [Persian]
4. Soqra M. Commercial Law Documents (Educational Selection). Tehran: Sherkat Sahami Publication; 2001. [Persian]
5. Sokuti Nasimi R. Analytical discussions of commercial document rights. Tehran: Majd Publication; 2014. [Persian]
6. Sotoudeh Tehrani H. Trade Law. Tehran: Dadgostar Publication; 1995. [Persian]
7. Skini R. Trade law. Tehran: Samt Publications; 1995. [Persian]
8. Kaviani K. Trade Documents Rights. Tehran: Mizan Publication; 2004. [Persian]
9. Darwishi Hoveyda Y. The responsibility of the signatories of commercial documents and the dissemination of judicial opinions, emphasizing the responsibility of the guarantor. Law Quarterly 2014; 2(1): 43-56. [Persian]
10. Fakhari AH. Legal Thoughts 3 (Trade Law). Tehran: Majd Publication; 2017. [Persian]